پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره (اول) پنجشنبه ۲۳ حوت ۱۳۴۶ هـ - ۱۴ ماچ ۱۹۶۸

ببرک (کارمل)

نگاهی بوظایف ملی ما در این مرحله تاریخی

راهها و وسایل نیل به پیروزی

سرلوحه قانون اساسی کشور میگوید : «بمنظور تنظیم حیات ملی افغانستان مطابق به مقتضیات عصر و بر اساس واقعات تاریخ و فرهنگ ملی– بمنظور تأمین عدالت و مساوات- بمنظور تطبیق دموکراسی سیاسی اقتصادی واجتماعی ... و در نهایت بمنظور تشکیل یک جامعه مر فه و مترقی»

بر مبنای اصول جهان بینی علمی خلاق و ایدالوژی پیشرو عصر ما و انطباق بر شرایط کنونی جنبش افغانستان، بر اساس روحیه وطن - پرستی و ماهیت بشریت زحمتکش، بمنظور تشکیل جامعه ای آزاد از تناقصات طبقاتی، فارغ از بهره کشی انسان از انسان و آزاد از اسارت و ستم ملی بحیث « هدف غایی ».

اعلام میداریم که پرچم مقدس جهاد و مبارزه ضد ارتجاع داخلی وخارجی را تا مرگ و پیروزی سربلند واستوار نگاه خواهیم داشت.

ولی درک این مسئله در مبارزه اهمیت عظیم کسب میکند که در کشورما در مرحله تاریخی کنونی تضاد عمده بین توده های عظیم دهقانان و مشتی از فیودالها و خلق وامپریالیسم حل نگردیده و هنوز نظاماستبدادی و بقایای ارتجاع قرونوسطائی و استعمار در جامعه موجود است، لهاذا افغانستان در مرحله مبارزه و جنبش دموکراتیک وملی قرار دارد نه در مرحله « هدف غایی » که بعضی ها نا شیانه و عوام-فریبانه انرا بحیث مسئله روز و جزء وظایف و هدف نزدیک سیاسی طرح میکنند.

جنبش دموکراتیک وملی درواقعیت امر بمنزله تدارک ضروری ومقدمه‌یی برای جنبش مرحله « هدف غایی» که بصورت اجتناب ناپذیر دنبالهٔ جنبش دموکراتیک است بشمار میرود.

در جنبش دموکراتیک و ملی افغانستان که مشی عمومی در یک دوران تاریخی تعیین گردیده است، اکثریت عظیمی خلقهای افغانستان اعم از کارگران، دهقانان و پیشه‌وران (زحمت کشان شهر و ده)

(ص ۳)

* بطور عموم خلق و طبقه زحمتکش جامعه و نیروهای مترقی آنست زیرا «واقعت تاریخ » مبین این حقیقت است که اکثریت عظیم خلق اعم از کارگران، دهقانان، پیشه‌وران و یگر قشر های زحمتکش شهر و ده نیروی محرک تاریخ و سازنده جامعه اند نه‌اقلیت کوچک ستمگران و مرتجعین داخلی وخارجی.براساس درک‌این وظیفه تاریخی است که جریده پرچم به حیث ناشراندیشه های دموکراتیک

شعار های مبرم ما

دکتورس اناهیتا

قانون عینی و تغییر نا پذیر زندگیست که هر جامعه بشری جبراً در تاریخ خویش مرحله به مرحله تغییر میکند و تکامل می‌یابد ولو نیروهای سیاه ارتجاع داخلی و خارجی موقتاً در راه ترقی و پیشرفت جامعه موانعی خلق کنند . رشد وسایل تولید قدم به قدم چهره جامعه را تغییر می دهد و متناسب به آن مناسبات و روبنای جدیدی بوجود می‌آید و طبقات مختلف اجتماعی بر مبنای منافع و بقای خویش اقدام به ایجاد موسسات ، ارگانهای نشراتی، سازمانهائی سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی میکند و برای استحکام و حفظ منافع خویش باطبقات ، قشرها و نیرو های مخالف داخلی و خارجی به مبارزه می‌پردازد.

سوال اجتماعی ما در اینجاست که درشرایط معاصر کشور کدام یکی از طبقات و نیرو های اجتماعی، پیشرو-ترین و پیش آهنگ ترین مبارزان در راه طرد نظام کهن اجتماعی ، در راه محو کامل ظلم و ستمگری ، در راه ایجاد نظام عادلانه نوین و مترقی است وبه جهت تکامل پویان است ؟

جواب ساده، منطقی و علمی است *

خلق ، ترجمان آرمانهای تمام مردم زحمتکش افغانستان پا به عرصه نشراتی گذاشت .

در اثر قیام مسلحانه ملی (۱۹۱۹) مردم افغانستان که به تسلط مستقیم استعمارپایان داد برای نخستین مرتبه در کشور نطفه صنایع و طبقه نوین بوجود آمد و بتدریج بخصوص در دهه اخیر بصورت طبقه جوان کارگر در جامعه ما ظاهر گردید که نهضت های اخیر مظهر گویای آنست.

ولی بکمال تاسف باید خاطر نشان ساخت که رشد اقتصادی – اجتماعی وطن محبوب ما افغانستان تاکنون بنابر نظام تولید فئودالی و اعمال نفوذ و فشار نیرو های استعماری فوق العاده کند و بطی بوده‌است. نهضت مشروطه‌خواهی ومبارزه نیروهای ملی و آزادیخواه از اوایل قرن بیست تا اکنون طی چندین مرحله درحقیقت مجاهداتی بود برای طرد این موانع یعنی استبداد، ارتجاع و استعمار و هموار ساختن راه رشد اقتصادی – اجتماعی، ولی نهضت مشروطه خواهی و آزادیبخش ملی افغانستان در چندین مرحله بنابر دسایس امپریالیستی و ارتجاع داخلی از یکسود ، نفاق و بعضی اشتباهات از سوی دیگر، به هدفهای ملی نرسیدند وموانع اساسی در برابر تکامل و ترقی جامعه ، همچنان تا کنون قویا باقی‌ماند . بطور مثال نزدیک ، قابل توجه ودقت عمیق جمیع نیرو های تحول طلب است که بعد از توقیف غیرقانونی جریده خلق ، افشای مداخله سازمان جاسوسی امریکا درامور داخلی کشور های جهان ، منجمله در کشور ما ، به تعقیب آن درسیاست داخلی کشور توطئه علیه آزادی و دموکراسی ، قانون اساسی وآزادی مطبوعات ظاهر گشت و در کشور اختناق ، تفرقه و پراگندگی نیروهای ترقیخواه وطن پرست بوجود آمد و در ولسی جرگه (شوری) کشور در جلسات رای اعتماد به‌حکومت موجود از طرف اکثریت وکلای ملی بطور عموم و بخصوص فراکسیون د .خ افشا گردید.

(ص ٤)

قابل توجه

هموطنان تحول طلب! نیرو های ملی و دموکراتیک! وطن پرستان و ترقی خواهان کشور!

وحدت و اتحاد تمام نیرو های مبارز وطن مهم تر ین واساسی ترین شرط پیروزی در مبارزه علیه ارتجاع داخلی و خارجی است.

چهار مطلب و موضوع این شماره: ۱- نگاهی بوظایف ملی ما درین مرحلهٔ تاریخی بمثابه خط مش عمومی ما. ۲- شعار های مبرم ما بحیث خط مش جاری ما. ۳- مبارزه در راه آزادی مطبوعات ... (تامین نان ... وغیره) بحیث شعار های روز ما . ۴- صلح در خطر است بحیث وظیفه جهانی ما، همه با یکدیگر پیوند منطقی دارند و جمعاً اصول کلی رسالت تاریخی ما را بصورت مقدماتی و سر آغاز نشرات جریده پرچم مشخص میسازد.

اصل اساسی ایکه چهار حلقه اصولی را در یک زنجیر با هم اتصال میدهد عبارت از اصل وحدت و اتحاد تمام نیروهای ضد استبداد، ضد ارتجاع، ضد استعمار و امپریالیزم و ضد جنگ در یک جبههٔ وسیع ملی وبین‌المللی است.

پرچم (ناشر اندیشه های د. خ)

صلح جهان در خطر است !

م.ا. خیبر

جریده پرچم ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان دفاع از صلح و مبارزه درراه صلح وامنیت جهان را وظیفه اساسی ملی و بین-المللی خود میداند. امر صلح مبرمترین و عمده ترین مسأله دوران معاصر ما و خواست ضروری توده- های عظیم مردم جهان بشمار میرود. ازهمین جهت حوادثیکه در پاره‌ای از نقاط گیتی امر صلح را بخطر انداخته موجب تشویش جدی تمام صلحدوستان جهان گردیده است از جمله واقعات خونین جنوب شرق آسیا بالخصوص ویتنام موجب نگرانی عمیق مردم جهان است.

ارتجاع امپریالیستی با پیروی ازسیاست استعماری کهنه و نو خویش که محور اصلی آنرا اهداف سود جویانه طبقاتی آن در عرصه بین‌المللی تشکیل میدهد علت اصلی این همه جنگ و خونریزی در ویتنام لاوس، شرق میانه و سایر نقاط داغ جهان و عامل اساسی همه بحرانهای محلی و جهانی و محرک عمده کلیه دسایس و کودتاهای رنگارنگ ارتجاعی علیه حکومات ملی در قاره های آسیا افریقا امریکای لاتین ودگر نقاط.

امپریالیزم از راه تحریک تجاوز اسراییل‌علیه‌اعراب وعناصرمرتجع در یمن که مقصد اصلی آن از بین‌بردن حکومت های ملی ضد استعماری درسوریه و جمهوریت متحد عربی و یمن و تخویف جنبش آزادی بخش ملی جهان عرب بود فاجعه خطرناک امسال شرق میانه را بوجود آورد.

امپریالیزم بواسطه توسعهٔ روز افزون دامنه «جنگ کثیف» خود در ویتنام و عدم توجه و بی‌اعتنایی در برابر افکار عامه جهانیان بشریت را به پرتگاه جنگ جهانسوز نزدیکتر می‌سازد.

امپریالیزم ذریعه تشویق و کمک به رشد روز افزون نیروهای سیاه فاشیزم و نازیزم جدید و سهیم ساختن «انتقام جویان» در ذخایر سلاحهای ذروی خود و تشدید مسأله المان شرق و غرب و برلین در اروپا که محراق تضاد های عمده سیاسی و جاییکه در آن دو بلاک بزرگ نظامی ناتو و پیمان وارسا بیش از هر جای دیگر در برابر یکدیگر واقع می‌باشد. نگرانیهای زیادی از لحاظ صلح جهانی بوجود آورده است.

استعمار حاضر نیست حق تعیین سرنوشت را برای ملت پشتونستان ومردمان انگولا و موزنبیق و غیره برسمیت بشناسد. خلق پشتونستان از یکصد و پنجاه سال باینطرف علیه استعمار برتانیا و از بیست سال باینطرف علیه سلطه جابرانه استعماری پاکستان مبارزه میکند، هرگاه بازهم به‌حق مشروع‌آنها جواب مثبت داده نشود امکان آن وجود داردکه دراین منطقه جهان نیز صلح وامنیت برهم بخورد.

جنبش آزادیخواهی ملی پشتونستان ضد ارتجاع و امپریالیزم و یک واقعیت جهانی است که روز بروز وسعت می‌یابد.

همچنان امپریالیزم از راه کمک و تقویه حکومتهای نژاد پرست افریقای جنوبی و رودیشیا و زیرپا کردن حقوق اکثریت این کشور ها درقاره افریقا و تاسیس فدراسیون – های نام نهاد زمانی در جنوب عربستان و عدن که در اثر مبارزات دلیرانه خلق آن سر زمین از بین برده شده و بجای آن جمهوریت توده‌ای یمن جنوبی بوجود آمد و اکنون در شیخ نشینی های خلیج فارس غرض استثمار منابع نفتی آن وازراه تحریک کودتاهای نظامی علیه حکومات بی طرف و صلحدوست و مداخله بی شرمانه و رسوا در امور داخلی کشورهای دیگر از طریق سازمانهای مختلف جاسوسی مانند سی. آی. ای وغیره و پرواز دادن طیارات جاسوسی از فضای کشور – های صلحدوست و ارسال کشتی‌های جاسوسی به آبهای داخلی آنها و سایر اعمال تحریک آمیز صلح و سلام گیتی را شدیداً در معرض خطر قرار داده است. با در نظر گرفتن این وضع اگر امپریالیزم بموقع مهار نشود، دسایس آن افشاء و جلو تحریکات جنگی آن گرفته نشود، بیم آن میرود که در هر لحظه جهان و بشریت را با یک فاجعه بزرگ مواجه سازد.

مهار کردن امپریالیزم و شکست دادن آن در تمام عرصه های مبارزه گرم و سرد صرف از راه وحدت عمل و متحد ساختن همه نیرو های دموکراتیک ضدجنگ، ضدامپریالیزم و ضد ارتجاع در یک جبهه واحد ممکن است نه با حرف و دادن شعار های بظاهر انقلابی. از جانب دگر نادیده گرفتن جنایات امپریالیزم و اتخاذ یک موقف بی طرف و خنثی دربرابر آن صلح جهانی را قربانی سیاست موازنه قوا نمودن است. باید در نظر داشت که هر گاه آتشی جنگ سوم جهانی مشتعل شود نه کشور های طرف و نه کشور های بی‌طرف هیچیک سالم مانده نمیتواند. «وسایل مهیبی برای امحای دستجمعی و تخریب بوجود آمده است. اگر این وسایل در جنگ استعمال گردد خرابیهای بی‌سابقه ای به کشور ها وارد می‌کند و مراکز بزرگ فرهنگی و صنعتی را بویرانه ها مبدل می‌نماید.

چنین جنگ موجب مرگ و رنج صدها ملیون انسان و از جمله کشور های که در جنگ وارد هم نباشند خواهد شد....»

از آنجاییکه امپریالیزم تفوق دایمی خود را از دست داده و در اکثر ساحه های مبارزه شکست‌های جبران ناپذیری برآن تحمیل شده و تناسب قوا در صحنه جهانی بنفع نیروهای‌صلح، آزادی‌ملی ودموکراسی و جریانات مترقی تغییر میکند «زمان آن فرارسیده که میتوان کوشش تجاوز کارانه امپریالیستی را برای آغاز جنگ جهانی عقیم گذارد» با کوشش متحد نیروهای صلح و جنبش‌های مترقی، ملی و دموکراتیک میتوان از وقوع یک جنگ‌جهانی سوم جلوگیری نمود.

ما مبارزه در راه صلح را نتها ازجهت احساس مسؤولیت تاریخی خویش در برابر مردم خود و جهان که قربانی یک جنگ ضالمانه اتومی نگردد انتخاب کرده‌ایم، بلکه آنرا عامل بزرگ به پیروزی رساندن مبرزه درراه اهداف ملی خود ونجات آن عده از خلق های جهان که هنوز در تحت ظلم و ستم بسر می برند می دانیم. صلح شرط لازم ساختمان یک جامعه واقعاً مرفه و مترقی است.

باید مبارزه عادلانه بر ضد جنگ ظالمانه را قبل از آغاز جنگ شروع نمود.

بنابر آن ماموریت تاریخی کلیه نیرو ها، افراد شریف صلح – دوست و دموکراتیک ضد جنگ، ضد ارتجاع و ضد امپریالیزم است که ولو پیرو هر ایدالوژی، مذهب وتمایل سیاسی باشد بخاطر حفظ بشریت از یک تباهی بزرگ و پیش از آنکه جهان ما به ویرانه یی مبدل شود ومحصول کار ورنج هزاران‌سال انسان طعمه جنگ هسته ای گردد در یک جبهه واحد دفاع از صلح و جلوگیری از جنگ با هم متحد شوند وبواسطه وحدت عمل، قوت اراده وظیفه بزرگ انسانی خودرا ایفا نمایند. هر عمل تحت هر عنوانیکه باشد در حالیکه باعث تضعیف مبارزه مشترک اردو گاه صلح، آزادی و دموکراسی گردد بهیچ صورت توجیه اصولی ندارد و مسؤولیت بزرگی را در ساحه ملی و بین المللی دربر خواهد داشت.

پیروزباد جبهه‌متحد صلح درجهان!

سربلند باد پرچم صلح در جهان!

بسوی یک جهان بدون جنگ بدون استعمار و امپریالیزم!

پرچم عمل جنایت کارانه و غیرانسانی اعدام آزادیخواهان را توسط نژاد پرستان رودیشیا شدیداً تقبیح میکند.

نگاهی به وظایف ملی ما ....

از (ص اول)

ترقی خواهان، روشنفکران و دیگر قشر ها و عناصر ملی، دموکراتیک، وطنپرست و همچنان صاحبان ملکیت‌های متوسط و کوچک شهر و ده و سرمایه داران ملی (بورژوازی ملی) اشتراک خواهند داشت.

هدف عمده و وظیفه ملی ما در مرحله تاریخی کنونی نیل به ایجاد حکومت دموکراسی ملی است. حکومت دموکراسی ملی در کشور بربنیاد جنبش وسیع خلق‌های کشور به‌صورت مهمترین نقطهٔ چرخش مبارزه ضد فیودالیسم و ضد امپریالیسم پدید می‌آید.

استقرار حکومت دموکراسی ملی در افغانستان مظهر پیروزی نیروهای وطنپرست و دموکراتیک علیه فیودال ها، تجار بزرگ دلال وابسته به استعمار، بورژو – بیروکراتی (مامورین عالیرتبه فاسد تاجر پیشه و رشوه ستان) و ماهیت و پدیده‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ایدیالوژیکی استعمار و امپریالیسم خواهد بود. استقرار این دموکراسی در واقعیت امر زمینه مقدماتی حکومت اصیل مردم بر مردم را تهیه خواهد دید.

دموکراسی ملی در افغانستان که سازمان نظام آنرا نمی‌توان قبلاً با مشخصات آن طرحریزی کرد ترکیبی است از استقلال کامل ملی (سیاسی و اقتصادی)، دموکراسی کردن زندگی سیاسی و اقتصادی و تسریع رشد مترقی تولید (رشد سریع اقتصاد) و احداث صنایع بزرگ ملی از طریق غیرسرمایه داری که در جریان تکامل خود به " هدف غایی " منتج میگردد.

حکومت دموکراسی ملی افغانستان که با راه رشد غیرسرمایه داری پیوند ناگسستنی دارد حکومتی خواهد بود که برضد اشکال جدید استعمار و یوغ سرمایه امپریالیستی مبارزه می‌کند و حکومت به شیوهٔ دکتاتوری و استبدادی را نفی می‌کند و حقوق و آزادی های دموکراتیک و همچنان اصلاحات اساسی و دموکراتیک ارضی را به نفع دهقانان اجرا مینماید.

اندیشه دموکراسی ملی به حیث هدف ستراتژیک در مرحله تاریخی کنونی مظهر رشد و تکامل تیوری و پراکتیک جریان مبارزه رهایی- بخش ملی به سویه جهانی است که با شرایط کشور ما کاملاً وفق می‌کند و شرط لازم گذار جامعه ما (به اشکال مختلف که شرایط حکم مینماید) به "هدف غایی" میگردد.

تعقیب راه رشد غیرسرمایه داری در کشوری که امکان تهیه مقدمات آن در حال پیدایش است، در واقعیت امر تا حدودی معین همان نقش تاریخی است که مطابق به قوانین تکامل اجتماعی می‌بایست سرمایه-داری (که ارتجاع و استعمار مانع رشد بهنگام آن گردیده است) به حیث تدارک مادی و اجتماعی جامعهٔ ایکه «هدف غایی» ماست ایفا میکرد.

بنیاد طبقاتی حکومت دموکراسی-ملی مرکب از طبقات و قشرها و نیروهای اجتماعی وطنپرست و دموکراتیک میباشد که در بالا از آنها نامبرده شد. (در باره مسئله رهبری طبقات و پیشاهنگان در جنبش و تحلیل علمی آن بنابر شرایط اجتماعی و ملی کشور در مقالات آینده جریدهٔ پرچم وسیعاً بحث خواهیم کرد.)

سوال جدی درینجاست که آیا حکومت های افغانستان می‌توانند نوعی از حکومت های دموکراتیک محسوب شوند؟ جواب منفی است «زیرا پایه‌های قوی دولت در افغانستان از سالیان دراز بالای طبقات ارتجاعی ضد دموکراسی و ضد خلقی استوار است...» (از بیانیه فرکسیون د خ در ولسی جرگه.)

سوال دیگری طرح میگردد که پس «چه باید کرد» تا حکومت دموکراسی ملی ایجاد شود، وظایف ملی ما در مرحله تاریخی کنونی اجرا گردد و جنبش به مرحله نهایی خود نایل آید؟ بزرگترین امر برای تحقق بخشیدن وظایف ملی، درک این مسئله حیاتی است که حلقه اساسی مبارزه و پیشبرد جنبش در راه استقرار دموکراسی ملی عبارت است از ایجاد جبهه متحد دموکراتیک و ملی پایه-دار و تقویت روزافزون آن در آینده نزدیک.

در همان بدو امر تشخیص دادیم که نیل به این امر تاریخی در قدم اول ایجاب می‌کند که باید وحدت کلیه محافل و عناصر پراگنده ترقی‌خواه و وطنپرست در یک جریان واحد و یکپارچه که تیوری پیشرو رهنمای عمل آنهاست در چوکات اصول به ترتیبی تأمین گردد که: از طبقه پیشرو زحمتکش کشور پیشاهنگی گردد...، یک مرام جامع و علماً تحلیل‌شده که منافع عموم خلق‌های کشور و منافع عمدهٔ متحدین ما را در این مرحله معین تاریخی از لحاظ هدف‌های سیاسی، اقتصادی اجتماعی و فرهنگی تأمین کند، به وجود آید. (این مرام در شماره اول و دوم جریدهٔ خلق انتشار یافت.) نظام و ساختمان درونی آن بر اساس موازین جهان‌بینی علمی و بر جهات اساسی مرکزیت دموکراتیک، انتقاد و انتقاد از خود استوار باشد

شرایط کشور خط مشی عمومی و جاری و شعار های موافق به‌روز خود را تعیین نماید (که در جلسات رای اعتماد به حکومت شاغلی اعتمادی از طریق بیانیه‌های فرکسیون دموکراتیک خلق در ولسی جرگه وسیعاً پخش گردید) در مبارزهٔ روز- مره شرکت خلاق و فعال کند و پیوند خودرا با مردم به وجود آورد.. ومبارزه بیرونی آن در عرصه‌های مختلف مبارزه طبقاتی و ملی اعم از ایدایالوژیک سیاسی و اقتصادی و شیوه‌ها و اشکال مختلف مبارزه متناسب به‌شرایط در نظر و عمل (تیوری و پراتیک) صورت گیرد از اصول جهان‌بینی علمی در برابر انحراف رفورمیستی و ماجراجویی و بدعتگری چپ و راست دلیرانه دفاع کند، وحدت و همبستگی را چون مردمک چشم خود حفظ نماید، خصوصیت ملی و خلقی را در خود پرورش دهد، وطنپرستی و فعالیت بر مبنای ملی را بااحساس نجیب بشریت مترقی بخاطر ایجاد تحول بنیادی در کشور درآمیزد.

ما علماً معتقدیم که جامعه ما از لحاظ عینی و ذهنی امکانات دارد که حرکت خود را در راه رشد نهضت دموکراتیک و ملی و ایجاد جبهه متحد و حکومت دموکراسی ملی و راه رشد غیرسرمایه داری تحت رهبری هر یک از طبقات دموکراتیک شروع کند. ولی بخاطر باید داشت که به پیروزی رساندن و انجام این وظایف جنبش ملی ضد ارتجاع، ضد امپریالیستی و دموکراتیک به‌طور پیگیر و انتقال به «هدف غایی» و ساختمان جامعهٔ واقعاً مرفه و مترقی صرف به نیروهای پیشرو جامعه یعنی کارگران به اتحاد دهقانان و به رهبری نیروهای واحد ترقی‌خواه و پیشاهنگ آن که هسته و ستون فقرات جبهه متحد دموکراتیک و ملی افغانستان را تشکیل خواهد داد امکان‌پذیر است. در این جاست که نیروهای پراگنده ترقی‌خواه وطن-پرست کشور از مسؤولیت عظیم و وظیفه مشترک تاریخی خود آگاه باشند و باید در قدم اول وحدت کلیهٔ افراد و محافل و جریانات ترقی‌خواه و دموکراتیک کشور بر مبنای وحدت ایدیالوژیکی، مرامی، ساختمانی .... و خط مشی و رهبری تأمین گردد و از تفرقه و روحیه سکتاریستی و لغزیدن به چپ و راست احتراز جویند و بدون واردکردن اتهامات شخصی، الزام بی‌دلیل و فحاشی در برابر یکدیگر (این شیوهٔ مبارزه فاسد کننده پیوسته در سیر تاریخ مبارزات ملی خواست و نقشه طبقهٔ حاکمه ارتجاعی و توطیه گران استعماری بوده است) در چوکات اصول یکپارچه شوند و اختلافات خودرا بر مبنای مرکزیت دموکراتیک، بر مبنای اصل (وحدت، انتقاد و انتقاد از خود، اعتراف و مباحثه آزاد و اصولی و ایجاد وحدت) صمیمانه حل کنند، و یا حد اقل در بدو امر وحدت عمل علیه ارتجاع داخلی و بین‌المللی را تأمین نمایند.

نیروهای ترقی‌خواه کشور متوجه خواهند بود که ارتجاع بی‌رحم و توطیه گر در کمین است و حلقه اختناق را با حیل گوناگون تنگتر میسازد! درست ترین راه و نیرومند ترین وسیله و سلاح نجات مردم در گام اول وحدت و یکپارچگی نیرو-های ترقی‌خواه و از بین بردن مرحلهٔ محفل‌بازی و خرده‌کاری و خرده‌گیری است. ما به کلیه محافل ترقی‌خواه کشور صادقانه اعلان می‌نماییم که «نقض وحدت در پردهٔ فریاد های وحدت طلبی» خیانت به امر جهان‌بینی علمی خلق کارگر و وطن محبوب ما افغانستان است. ما در چوکات اصول (اقلاً در عمل منحیث مقدمهٔ وحدت کامل) ایجاد وحدت نیروهای ضد ارتجاع، ضد امپریالیسم و ضد جنگ را در عرصهٔ ملی و بین‌المللی یک ضرورت تاریخی میدانیم. ما معتقدیم که بدون وحدت ترقی‌خواهان کشور بسط و توسعه و به پیروزی رسانیدن جنبش دموکراتیک و ملی و ایجاد جبهه متحد در زمینه ناممکن است. ما ری ایمانی که به خلق و مبارزه داریم، پرورش و تبارز هرگونه خودخواهی، رهبری شخصی، و بلندپروازی را در خویشتن خیانت به امر وحدت میدانیم.

(ص ۵)

ملت من پیروز خواهد شد – همهٔ ملت‌ها پیروز خواهند شد!

تا سرحد درد، تا سرحد روح

خاک سخت ترا، نان خشک ترا

با ملت فقیرت

دوست دارم! **(پابلو نرودا)**

(از ص اول)

شعارهای مبرم ...

در اینجاست که مسأله طرح شعارهای ضروری روز کلیه نیرو-های تحول‌طلب (اعم از ملی، دموکرات و مترقی) کشور مطرح میگردد و ضرورت تاریخی حکم می‌نماید که تمام این نیروهای تحول‌طلب به مثابه ادامه‌دهنده سنن پرافتخار اسلاف قهرمان ما و شهدای راه آزادی ملی و دموکراسی با مضمون و شکل نوین، مترقی و علمی به‌صورت یک جبهه در نهضت آزادی‌بخش ضد ارتجاع داخلی و ضد استعمار و امپریالیزم با هم متحد شوند. تا جاییکه به همکاران پرچم و فراکسیون پارلمانی آن در ولسی جرگه مربوط است، یکبار دیگر تصمیم قاطع و تغییرناپذیر خودرا برای اجرای این شعار های ضروری روز که به‌صورت فورمولبندی شده زیرین طرح میگردد در وضع معین موجود اعلام می‌نماییم و دست اتحاد را در چوکات اصول برای اجرای این پروگرام حد اقل که مبین وظایف مبرم ما بشمار می‌رود به‌طرف عموم عناصر و گروه‌های ملی، دموکراتیک وطن‌پرست از صمیم قلب دراز می‌کنیم.

تحول طلبان کشور! بیایید تا دیر نشده تعمیم دموکراسی را شعار مبرم روز قرار دهیم و به‌صورت متحد قدم به‌قدم ارتجاع، استبداد و استعمار را وادار به عقب‌نشینی سازیم.

شعار های ضروری که میتوان آنرا در شرایط کنونی نوعی از سیاست عملی یا پروگرام حداقل برای تمام نیروهای تحول طلب ملی و دموکراتیک به‌عنوان اساس عمل اتحاد و پلاتفورم مشترک مبارزه مطرح کرد عبارت از اجرای وظایف مبرم زیرین میباشد:

- بسط و توسعه سیاست مستقل صلح‌جویانه و بی‌طرفی مثبت بر بنای اصول همزیستی مسالمت‌آمیز به جهت دفاع از صلح، استقلال و دموکراسی و مبارزه با ارتجاع و امپریالیزم و جنگ. مبارزه علیه پایگاه‌های نظامی سنتو و سیاتو در همجواری افغانستان، دفاع پیگیر از جنبش آزادی‌بخش ملی پشتونستان بر مبنای اراده خلق پشتونستان و تمام جنبش های ملی و مترقی جهان، محکوم ساختن تجاوز اسراییل در قلمرو ملل عربی و از بین بردن اثرات آن و محکوم کردن جنگ ظالمانه و تجاوز امپریالیزم در ویتنام، طرد کامل نفوذ اقتصادی سیاسی و ایدیالوژیکی استعمار جدید و روابط اقتصادی و تجارتی با کشورهای پیشرو و صلح‌دوست داخل حوزه بارتری و بسط روابط سیاسی، فرهنگی با این کشورها.

- مبارزه در راه دموکراسی و تأمین حقوق و آزادی های دموکراتیک مردم و تأمین حداقل رفاه برای زحمتکشان شهر و ده، مبارزه (با استفاده از قانون اساسی و دیگر قوانین اصلاحی) برای تأمین دموکراسی سیاسی که مهم‌ترین و عمده‌ترین محتوی مبارزات جاری روز ما را تشکیل می‌دهد، مبارزه برای آزادی مطبوعات، انتخابات، تشکیل احزاب و اتحادیه‌های کارگران، دهقانان، زنان، جوانان و محصلان – تظاهرات، اعتصابات و غیره، مبارزه در راه تشکیل جرگه‌های ولایتی تا دهات و تأمین حقوق فرهنگی و سیاسی تمام خلق‌ها و اقوام کشور بدون تبعیض، طرد فیودالیزم از طریق اجرای اصلاحات دموکراتیک ارضی و صنعتی ساختن کشور.

- تقویه سکتور دولتی اقتصاد و سیستم پلانگذاری، مبارزه در راه حل فوری مسأله کوچیان، مبارزه برای حقوق اجتماعی و سیاسی زنان، مبارزه برای اصلاح دستگاه اداری و اقتصادی و اصلاح دموکراتیک قوانین مالیاتی، مبارزه برای استقرار عادلانه سطح قیمت ها و افزایش غله در کشور، مبارزه در راه تأمین حقوق و آزادی های طبقه کارگر، مبارزه علیه صاحبان قدرت و متنفذین که بالای توده‌های عظیم دهقانان ظلم و ستم می‌کنند و آنها را استعمار می‌نمایند، مبارزه در راه تعمیم معارف متوازن ملی و مترقی و صحت در سراسر کشور.

بی‌نیاز از اثبات است که مبارزه در راه اجرای این شعارها اتحاد تمام نیرو- های وطن‌پرست را هرچه زودتر و ضروری‌تر مطرح می‌سازد.

توجه کنید: ده‌ها سال است که ارتجاع داخلی و خارجی مبارزات مردم زحمتکش کشور ما را در زمینه آزادی‌های دموکراتیک و بهبود شرایط زندگی آن‌ها بی‌رحمانه سرکوب کرده است و از هیچ نوع دسیسه و توطیه و جنایتی نسبت به منافع ملی ما دریغ نکرده‌اند. سال‌ها خیانت، سال‌ها تجاوز به حقوق مردم به قیمت عقب‌ماندگی اقتصاد و فرهنگ، فقر و بدبختی توده‌های عظیم مردم ما انجامید، ولی دیگر شرایط تغییر کرده است. از یکسو نارضایتی مردم دیگر غیرقابل‌تحمل گشته و از سوی دیگر سیاست‌های ضد ملی، ضد دموکراتیک و ضد خلق شکست برداشته و می‌رود که نهضت دموکراتیک ملی دربین مردم بسط و توسعه یابد و تمام طبقات و قشرهای مترقی جامعه ما را احتوا کند و مورد پشتیبانی همه مردم قرار گیرد و دیگر نیروهای سیاه کشور نتوانند سیاست وحشت و غیرانسانی و سرکوب نیروهای وطن‌پرست را تعمیل نمایند.

معذالک نباید هوشیاری را از دست داد، ارتجاع همچنان محیل و نیرنگ‌باز است!

اکنون کشور ما در یک مرحله حساس تاریخی قراردارد، مسؤولیت تاریخی تمام نیروهای تحول طلب عظیم و سنگین است، دو راه برای نیروهای ملی و دموکراتیک موجود است. انتخاب در دست آن‌هاست. یا نیروهای وطن‌پرست و مترقی، ملی و دموکراتیک تمام وجوه افتراق را کنارگذاشته و تاکنون آنچه بر اثر مبارزه طولانی و رنج های عظیم مردم به‌دست آمده وجوه اشتراک عمل را در نظر می‌گیرند و دست اتحاد با هم داده راه را برای تحول بنیادی و دموکراتیک هموار می‌سازند و یا آنکه می‌گذارند که ارتجاع سیاه و بی‌رحم داخلی و خارجی به ایجاد نفاق و تفرقه در صفوف مبارزان راه آزادی ملی و دموکراسی و ترقی و پیشرفت سریع اجتماعی کشور از اتحاد آنان جلوگیری کند و از طریق یک ضربه ناگهانی و یا سیاست تدریجی اختناق مواضع خودرا نیرومندتر و هوشیارتر استحکام بخشیده و تمام نیروهای تحول‌طلب وطن‌پرست افغانستان را در غل و زنجیر ببندند. منحیث مثال: تجارب نزدیک (واقعه خونین ۳ عقرب، تظاهرات ضد فرهنگ استعماری جوانان، نقشه ترور علیه فراکسیون د.خ. در ولسی جرگه، توطیه سازمان جاسوسی امریکا و غیره) نشان می‌دهد که مبارزه مشترک تمام نیروهای وطن‌پرست چگونه ارتجاع را مؤقتاً وادار به عقب‌نشینی کرد.

تجربه مبارزات ملی مبین این حقیقت است که تنها با پیگیری مبارزه مشترک و درآمیختن نیروهای مردم میتوان به زندگی و اعمال قدرت و توطیه استبداد، ارتجاع و استعمار خاتمه داد. باید جداً خاطرنشان ساخت که دشمنان خلق افغانستان پیوسته از اتحاد نیروهای ملی در وحشت‌اند و همیشه با تغییر چهره‌ها دست به‌کار اند که مبارزین صدیق راه آزادی را مشغول زدوخورد داخلی‌شان کنند و دایم در حال تفرقه نگه‌دارند و مانع اتحاد و همبستگی‌شان گردند و اصیل ترین جریان مترقی و وطن‌پرست دموکراتیک خلق را، پیگیرترین و دلیرترین و اصولی ترین مدافعان خلق وطن را از مردم و دیگر نیروهای ملی منفرد سازند.

در خاتمه این بحث یکبار دیگر تصریح می‌کنیم که تنها ایجاد یک صف و جبهه متحد موقتی و دایمی با حفظ اصول و ایدیالوژی و استقلال جریان مرکب از تمام نیروهای تحول طلب ضامن استقرار و پیروزی استقلال ملی و دموکراسی و ضامن رشد سریع اقتصاد و فرهنگ کشور، ضامن سعادت و ترقی اجتماعی خلق و وطن محبوب ما افغانستان است. ما دست اتحاد و همکاری، دست بدون بلندپروازی و بدون خودخواهی را به‌سوی همه تحول طلبان اعم از جریانات، محافل، جمعیت‌ها، سازمان‌ها ... ارگان‌های نشراتی و شخصیت‌های مستقل ملی و دموکراتیک، وطن‌پرست و ترقی‌خواه و همه هموطنانی که مصمم باشند عملاً یک گام به‌جانب تطبیق حداقل سیاست ملی و دموکراتیک، در راه مبارزه مشترک ضد ارتجاع، ضد استبداد و ضد استعمار و امپریالیزم بردارند، دراز می‌کنیم. ما معتقدیم که ایجاد اتحاد تمام نیروهای وطن‌پرست مشکلاتی عظیمی در پیشرو دارد. معهذا باید سعی بلیغ و استقامت و تحمل بسیار به خرچ داد و از ضربات ارتجاع، ناکامی‌ها و اتهامات نباید ترسید و کوشش

(ص ۵)

گر من نسوزم

گر تو نسوزی

گر ما نسوزیم

پس چه مشعلی این ظلمات را بدست فنا خواهد سپرد.

(...)

از (ص ۳)

نگاهی بوظایف ملی ما ...

زیرا ملاک قضاوت ما اصول جهان‌بینی علمی، منافع خلق و وطن است و به رنجهای اکثریت عظیم خلق‌های خود می‌اندیشیم. ما از صمیم قلب حاضریم که به انتقادات اصولی ترقی‌خواهان که از اندیشه‌های وطنپرستانه دموکراتیک خلق می‌نمایند، با تواضع و شیوه مترقی گوش فرا دهیم و هرگاه نظرات انتقادی آنها درست باشد ما علناً اعتراف خواهیم کرد، تا حضوری تبادل‌نظر و محاکمه و قضاوت رفیقانه صورت گیرد.

ترقی‌خواهان! رسالت تاریخی ماست تا علیه نفاق و افتراق دلیرانه در کادر اصول و اخلاق مترقی مبارزه کنیم، کانون گرم خانواده ترقی‌خواهان وطن پر ارج افغانستان را به وجود آوریم! فضا صمیمیت و رفاقت، فداکاری و همکاری را هرچه زودتر و مستحکم تر در خود ایجاد کنیم! زمان از دست می رود، مردم ما شدیداً رنج می‌کشند! نیروهای ارتجاع، استبداد و استعمار و امپریالیزم هر روز بر فراز کشور سایه تاریک وحشتناک خود را می‌اندازند.

مسؤولیت عظیم تمام محافل، عناصر و نیروهای دموکراتیک، وطنپرست و به‌خصوص در مرکز آنها نیروهای ترقی‌خواه کشور است که اتحاد و وحدت درونی خود و اتحاد خودرا با یکدیگر و با پرچمداران پیشرو و کشاف دموکراتیک خلق در یک صف و یک جبهه متحد به‌خصوص در قدم اول در ساحه با در نظر گرفتن وجوه مشترک (نه وجوه افتراق) به وجود آورند و در راه ایجاد یک حکومت دموکراسی ملی به جهت «هدف غایی» مبارزه کنند.

عناصر پراگنده ترقی‌خواه کشور باید متوجه باشند که رو گشتاندن از نیروهای ملی، دموکراتیک و وطنپرست (بنابر اختلاف‌نظر ایدیالوژیکی در بین ما و آنها) منحرف‌ترین و بدترین مظهر منفرد شدن از (سکتاریزم) و جزمیت (دگماتیسم) و موضع‌گیری تنگ‌نظرانه و خودخواهانه می‌باشد که در نتیجه در مبارزه‌ای تحقق مرام دموکراتیک ملی در حالیکه اکیداً ایجاد یک جبهه متحد دموکراتیک و ملی و ضد استبداد ضد ارتجاع، ضد استعمار را در وضع موجود و ضد فیودالیزم و ضد امپریالیزم را در مرحلهٔ تاریخی کنونی به حیث وظایف ملی مورد توجه و هدف اساسی باید قرارداد باز هم نمی‌توان سعی و کوشش فراوان در راه وحدت کلیه ترقی‌خواهان کشور و ایجاد اصولیت در بین آنها را برای یک لحظه از یاد برد. زیرا بدون وحدت تمام عناصر ترقی‌خواه در یک جریان به پیروزی رساندن نهایی جنبش ممکن نیست.

«وطن محبوب ما افغانستان تاریخ کهن، سنن پرافتخار، نیروهای انسانی و ثروت‌های طبیعی فراوان دارد» خلق‌های زحمتکش و نجیب کشور ما آرزومند جدی ترقی و رشد سریع اقتصادی و فرهنگی‌اند. از اینرو باید آنها را متشکل ساخت و به آنها شعور طبقاتی و سیاسی داد. توده‌های مردم با صمیمیت و پاکی از جنبش پشتیبانی می‌کنند.

اگر در کشور ما افغانستان یک حکومت دموکراسی ملی استقرار یابد، افغانستان به‌صورت قطع می‌تواند که از طریق راه رشد غیرسرمایه‌داری و تجهیز درست منابع انسانی و طبیعی و رهبری جامعه با اسلوب مجرب علمی در جهت آزادی و ترقی در موعد تاریخی کوتاه و فشرده‌ای بدون گذشتاندن درد و رنج طولانی و ذاتی سرمایه‌داری به‌عقب ماندگی دیرینه و مزمن خود خاتمه دهد.

تحقق این وظایف ملی در مرحلهٔ تاریخی کنونی به عهدهٔ نیروهای ترقی‌خواه است که در قدم اول یک پارچه واحد آهنین را تشکیل داده و با هم روی چوکات اصول جهان‌بینی علمی و رهبری دستجمعی وحدت را تأمین کنند.

در تحت پرچم وحدت نیروی ترقی‌خواه وطن‌پرست!

در راه ایجاد جبهه متحد دموکراتیک و ملی!

در راه استقرار حکومت دموکراسی ملی و راه رشد غیر سرمایه‌داری!

در راه طرد فیودالیزم و امپریالیزم از وطن محبوب ما افغانستان!

در راه مبارزه علیه جنگ، استعمارکهن و نوین و امپریالیزم و طرد آن از سیارهٔ ما!

از (ص ۶)

مبارزه در راه ...

افغانستان متحد شوید! راه اتحاد و یگانه‌گی راه پیروزیست!

«پرچم» جوان شجاعانه از آزادی مطبوعات به‌صورت عموم و از جراید ملی ایکه در محاق توقیف بسر می‌برند به‌صورت خاص حمایت خودرا اعلام میدارد و حاضر است دلایل قانونی این جراید را در معرض نشر قرار داده و در راه احیای حقوق شان مبارزه نماید.

باید تذکر داد که برای رشد و تکامل سالم جوامع بشری، برای نشر و پخش اندیشه‌های مترقی که ضامن نجات ملت‌هاست آزادی مطبوعات که ارکان اساسی دموکراسی می‌باشد شرط لازمی بشمار می‌رود.

به استناد قانون اساسی افغانستان تا حقوق و آزادی‌های دموکراتیک از تعرض مصؤون نباشد، مطبوعات آزاد در عمل تثبیت نشود، تا طبقات و اقشار مختلف اجتماعی بدون خوف و تهدید و در پناه قانون افکار و اندیشه‌های خودرا تبارز داده نتواند دموکراسی صرف در لفظ جلوهٔ ظاهری و فریبنده خواهد داشت و قانون اساسی افغانستان که محصول مبارزات دلیرانهٔ خلق کشور ماست آهسته‌آهسته به طاق فراموشی و بی‌اعتنایی سپرده خواهد شد. لذا وظیفه داریم که برای به پیروزی رسانیدن نهضت نجات‌بخش ملی و دموکراتیک

یو کیږو

ټول خواران په یوه چیغه پاروموه

شاعران او فن کاران بیداروموه

ننګیلان او غیرتیان رالږزومه

میرویسان او خوشحالان راویښومه

د ایشیا د زړه ارمان پوره کومه

بس دی ټول غیور افغان را خبروموه

دخپل حق اوخپل مرام په نوم یوکیږو

هر څه کیږی روانیږو روانیږو !

اجمل ختک

از (ص ۴)

شعارهای مبرم ...

فراوان بکار برد تا اتحاد و پیروزی به‌دست آید.

شخصیت ها، محافل، ارگان‌های نشراتی، نیروهای ملی و دموکراتیک!

ستون‌های اختصاصی جریده پرچم بروی شما باز است، نظرات اصلاحی و انتقادی تانرا به‌منظور اتحاد ارسال دارید! حاشیه فرصت تنگتر می‌شود! ارتجاع داخلی و خارجی زمان کمایی می‌کند! یگانه راه نجات و یگانه شرط اساسی احراز پیروزی در مبارزه علیه استبداد، ارتجاع و استعمار اتحاد نیروهاست.

دست اتحاد را رفقای همکار پرچم دموکراتیک خلق به‌سوی شما دراز کرده است. به خاطر رنجهای بیکران خلق‌های ستمدیده افغانستان، به‌خاطر ساختمان وطن پر افتخار و نوین، به‌خاطر ایجاد جامعه آزاد از ظلم و ستمگری مادی و معنوی آنرا بفشارید!

به‌پیش! در تحت پرچم اتحاد تمام نیروهای ملی، دموکراتیک، وطن‌پرست و ترقی‌خواه!

و تعمیم دموکراسی از آزادی مطبوعات جداً حمایت کنیم؛ زیرا مبارزه در راه آزادی مطبوعات مبارزه در راه دموکراسی است و مبارزه در راه دموکراسی در دستور روز ما قراردارد.

زنده‌باد آزادی قلم و بیان!

مطبعه دولتی

«آرمان‌های مرام دموکراتیک خلق آمال درخشان تمام طبقات زحمتکش افغانستان را درین مرحله تاریخی بیان می‌کند».

«وسایل و راه‌ها ...»
شماره ۳ جریده خلق

مبارزه در راه آزادی مطبوعات مبارزه در راه دموکراسی است

سلیمان لایق

علم تاریخ مبین این حقیقت است که در جوامع طبقاتی همواره طبقات مختلف اجتماعی دارای منافع متضاد اند، بدین‌جهت در سیر تاریخ بشری مبارزه همه‌جانبه و پیگیر در تمام عرصه های زندگی اجتماعی بین زحمتکشان و بهره‌کشان ادامه دارد، طبقات حاکمه که مالک تمام وسایل مادی جامعه است نظر به خصلت خود میل دارند بر سایر جوانب زندگانی اجتماعی نفوذ کنند و آنرا تحت تسلط خود داشته باشند. یکی از عرصه‌های عمدهٔ این مبارزه تلاش برای احراز عرصهٔ فکریست که در جوامع شبیه ما امکانات وسیع آن به نفع گروهای ستمگر فراهم شده است زیرا در روابط اجتماعی موجود همه وسایل نشراتی و تبلیغاتی در دست طبقهٔ حاکمه و محافل سیاسی آن متمرکز است.

نمایندگان زحمتکشانیکه زیر بار سنگین ستم دست و پا می‌زنند تلاش دارند با وصف شرایط فلاکت باریکه در جهت کارشان موجود است حداقل خواست های مردم را در عرصه فکری تبارز دهند.

لیکن در شرایط خاص از یکسو فقر اقتصادی مانع می‌گردد تا نمایندگان واقعی مردم (جریانات و عناصر ملی، دموکرات و مترقی) برای انعکاس آرزوهای خلق ارگان های نشراتی داشته باشند، از جانب دیگر طبقات حاکمه که نیروی مسلط جامعه استند قوانین و مقرراتی را موازی با خواست خود چوکات بندی. تحدید می‌کنند و در نتیجه سعی می‌ورزند با ایجاد موانع گوناگون از انحصار وسایل نشراتی تا سرحد مجازات شکلاً قانونی جلو انعکاس خواسته‌های توده‌های خلق را بگیرند و به این وسیله امکانات تبارز فکری برای زحمتکشان را از بین ببرند. با در نظر داشت این تحلیل علمی گاهی جبراً امکاناتی بوجود می‌آید تا وطن‌پرستان حداقل خواست- های خلق زحمتکش ما را انعکاس داده بتواند.

ما با شناخت وضع موجود به جهت انجام رسالت تاریخی خود.

- بخاطر رنج های بیکران خلق‌های ستمدیده افغانستان.

- بخاطر دفاع از حقوق و آزادی های وسیع دموکراتیک مردم.

- بخاطر ایجاد جبهه متحد ملی و اتحاد نیروهای زحمتکش.

- بخاطر پیروزی اهداف ستراتیژیک و غایی خود.

و بالاخره بخاطر پیروزی صلح، آزادی، دموکراسی و ترقی اجتماعی پرچم خود را برافراشتیم.

ما ماه‌ها با مشکلات ناگواریکه ارتجاع، استبداد و بیروکراسی افغانستان روی صلت خود و برای جلوگیری از انتشار اندیشه‌های دموکراتیک خلق در برابر «پرچم» قرار میداد مبارزه کردیم و در مقابل دسایس، فشارها و تهدیدات تسلیم نشدیم، زانو نزدیم، عقب نرفتیم و سرانجام پیروز شدیم.

اکنون وظیفه مبرم خود میدانیم تا در راه تحقق حقوق و آزادی های دموکراتیک توده های افغانستان بصورت پیگیر و همه جانبه تلاش های صادقانه خود را دنبال کنیم.

از تمام عناصر ملی، دموکرات و مترقی دعوت میکنیم تا بدفاع از آزادی مطبوعات برخیزند و برای تأمین نشرات آزاد، معقول و آزادی بخش به حیث مطلع و سرآغاز مبارزهٔ مشترک، مبارزه که راه خروج و فرار از زندگی خاموش شدهٔ کنونی را نشان میدهد مساعی مشترک مبذول دارند.

ما همواره دست اتحاد و همبستگی را بسوی جریانات و عناصر ملی، دموکرات و مترقی دراز کرده‌ایم و یک باردیگر در پرتو طلوع درخشان پرچم اعلام میداریم:

وطن پرستان! برای تحقق بخشیدن ارمان های خلق

(ص ۵)

سرود پرچم

چیست درین نیمه شب ...
در دل این تیرگی؟
شعلهٔ جواله ایست؟ ...
یا به زمین آمده ...
ستارهٔ رهنماست؟
یا «شبحی» را بدوش،
پرچم کاریکران
پرچم بزرگران
پرچم نسل جوان
پرچم خلق است، خلق.
جان من، ای کارگر!
جسم من، ای بزرگر!
دیده من، ای جوان!
خیز که یک تن شویم!
در پی پرچم رویم!
کاختر امید خلق ...
فروغ اندیشه‌هاست ...
پرچم کاریکران
پرچم بزرگران
پرچم نسل جوان
پرچم خلق است، خلق.

* * *

این «شبح» رهنما ...
میرود و میرویم،
ز تیرگی می رهیم.
میرسد و میرسیم ...
بشهر خورشیدها.
پرچم خود میزنیم
به کاخ امیدها.
پرچم ما دیرپاست...
پرچم کاریکران
پرچم بزرگران
پرچم نسل جوان
پرچم خلق است، خلق.

* * *

گرچه درین کوره راه ...
در دل این تیرگی.
پیچ و خم دره‌هاست،
خوف ز پا ماندگی!
لیک، اگر باهمیم ...
در پی این پرچمیم ...
زود به منزل رسیم ...
بدون واماندگی.
پرچم ما رهنماست ...
پرچم کاریکران
پرچم بزرگران
پرچم نسل جوان
پرچم خلق است، خلق.

* * *

هر که درین کارزار ...
مرد وطنپروریست.
هرکه درین سرزمین ...
دشمن استمگریست،
هرکه درین دامگه ...
در پی آزادگیست،
پیام پرچم به او:
آرزوی اتحاد ...
صلای همبستگیست
مظهر این آرزو ...
پرچم ما و شماست ...
پرچم کاریکران
پرچم بزرگران
پرچم نسل جوان
پرچم خلق است، خلق.

بارق شفیعی

مدیرمسؤول جریده«توقیف‌شده»خلق

اخراج عده‌ای از شاگردان دارالمعلمین کابل

گفته می‌شود که یک عده از شاگردان دارالمعلمین کابل در اثر فیصله خودسرانه مقام مربوط از حق تحصیل محروم و از دارالمعلمین اخراج گردیده‌اند.

اگر این امر حقیقت داشته باشد، ما آنرا خلاف ماده (۳۴) قانون اساسی کشور و منافی حق تحصیل جوانان مستعد و آرزومند مملکت دانسته جداً انتظار می‌بریم که مقامات مسؤول در زمینه دقت کنند! تا نشود که از یکطرف حق قانونی یک عده از فرزندان پر استعداد وطن پامال گردد و از جانب دیگر این نوع خودسری‌ها و قانون‌شکنی‌ها بسط و توسعه یابد.

پرچم
این شماره به دو زبان پشتو و دری فعلاً بروزهای پنجشنبه نشر می‌شود
اشتراک

صاحب‌امتیاز و مدیر مسؤول:
سلیمان (لایق)
آدرس: لعل مارکیت
محمد جانخان وات

مرکز: سالانه ۱۰۰ – افغانی
ولایات و پشتونستان: سالانه ۱۱۰ – افغانی
خارج کشور: سالانه ۱۰ دالر
قیمت یک شماره: ۲ - افغانی